

عازم بندر جز بوده است یکصد و هشتاد تومان وجه نقد داشته به غارت بردند.

### درباب چپاول

ایضاً تراکمه شرارت را علناً به تحریک سر کرده ها و تجار می نمایند. همه روزه پیغام برای تراکمه داده می شود که سردار مقتدر از حکومت استرآباد استعفا نموده نایب الحکومه خود را احضار نماید. دویم ماه مذکور خبر رسید سوار جعفر بائی یکصد و پنجاه رأس گاو میش که متعلق رعایای کرد محله و قریه النگ و چهارده بوده چپاول می نمایند.

### درباب چپاول

سیم ماه جون ایضاً سوار جعفر بائی دو فرسخی شمالی بسخو داشته، شش رأس اسب سوارهای بسطامی را باشش رأس مال متفرقه را چپاول کرده بردند.

### درباب مازندران

ایضاً خبر رسید اسمعیل خان امیر موید که رئیس اتحاد اسلام طبرستان می باشند به واسطه ورود قشون دولت بریطانیا به قزوین متوحشانه هزار تومان وجه از تجار و غیره گرفته مشغول تهیه سوار است که جلوگیری از ورود قشون مذکور بدخاک مازندران می نمایند، لکن درباب اتحاد میرزا کوچک خان با اهالی طبرستان و استرآباد عقاید ایشان اتفاق ندارد. مخصوصاً اهالی استرآباد بعد از مراجعت دونفر نماینده طبرستان اکثریت از اتحاد با آنها را منصرف گردیده فقط چند نفری که از اوایل مشروطه برای پیشرفت و مقاصد شخصی مرجع هر کاری بوده [اند] حال هم علناً اظهارات طرفیت آمیز و آشوب طلبی راهم روزه انجمن کرده بر علیه دولت انگلیس مذاکراتی دارند. تا چه اقتضا کند.

### درباب چپاول

پنجم ماه مذکور چند نفر پیاده ترکمان جعفر بائی در نیم فرسخی مغربی زیر حد قریه کلو بسخو نموده، هشت نفر رعیت که از شهر مراجعت می نمودند دستگیر کرده، هشتاد تومان وجه نقد و مالهای آنها را گرفته بردند.

### درباب روسها

چند روز است قونسول روس برای امورات شخصی بادوایر دولتی سختگیری می نماید و می گویند چون دولت روس با آلمان صلح انفرادی نموده است صدمات وارده و انهدام روسیه را از ناحیه دولت بریطانیا دانسته، نظر به مقاصد و نقشه پطر کبیر به معیت آلمان هوای هندوستان را به سردارند. می گویند مأمورین روس که در ایران مقیم هستند برای انهدام روسیه و نرسیدن حقوق ساکت بوده، حال سفارت انگلیس مأمورین روسی را در ایران رسیدگی و همراهی در معاش می نمایند. مأمورین مذکور هم برای نزدیکی قشون دولت بریطانیا به منطقه شمالی که محل آسایش آنها باشد خوشحال و مفتخرند.

## نمر ۲۰۵

۲۵ ماه جون ۱۹۱۸

### درباب روسها

چند نفر صاحب منصب روسی در استرآباد تاکنون توقف داشته، نهم ماه جون مایوسانه از راه بندر جز عزیمت به روسیه نمودند.

### درباب ترکمانها

خوانین و تجار استرآباد چون مایل به حکومت خارج نمی باشند و از ورود ژاندارم پشیمان هستند لهذا تراکمه را خود تحریک نموده علناً شرارت دریانگیری می نمایند. روز یازدهم ماه مذکور خبر رسید از نیم فرسخی مشرقی یک رأس مال چپاول کرده بردند. ایضاً از قریه میرمحله تراکمه داز یک رأس مال به غارت بردند. تاچه شود.

### درباب انتشار

مدتی است از طرف اداره ژاندارمری و معاون حکومت توی شهر انتشار می دهند که اراضی یموت منطقه دولت آلمان و عثمانی می شود. یک «کردارمه» قشون عثمانی از خط طرابوزان وارد هفت ورسی بادکوبه شده، پانصد نفر فرمانده آلمانی دارند از دو نقطه دولت آلمان خط هندوستان راسیر می کنند. یکی از خاک یموت و خراسان است، خط دیگر از سمرقند<sup>۶۵</sup> و خاک افغانستان است. «اتحاد اسلامیان جرجانی» هم که عقد اتحاد با طبرستان بسته اند همه شب در مجالس و محافل خود بر علیه دولت انگلیس مذاکرات و حرفهای معترضه هبء منشور<sup>۶۶</sup> می گویند. از قرار معلوم انتظار ورود پیش قراول عثمانی در گموش تپه دارند. تاچه اقتضا کند.

### درباب چپاول

شب شانزدهم ماه جون بیست نفر پیاده ترکمان جعفر بائی نیم فرسخی جنوبی شهر مشهور به عروس کلاته<sup>۶۷</sup> راه زیارت خاسته رود می باشد بسخو می نمایند. هشت نفر رعیت زیارتی برف حمل به شهر داشته آنها را می گیرند. یک نفر فرار کرده تفنگ می زند مقتول [شده]. سه گرمی هیزم از جنگل می آوردند آنها را هم گرفته بایک نفر شاهکوهی هشتاد تومان جنس و پول نقد داشته. شب هفدهم اسیرها را رها کرده دو ساعت از شب اموال غارت نموده را باسه رأس الاغ گرمیها بردند.

۶۵- اصل: نمرقند.

۶۶- اصل: منصورا.

۶۷- شاید «عروسک» کنونی است.

### درباب روسها

چندی است دال کولف\* قونسول روس اظهار می‌دارند پانصد نفر قشون ما مأمور استرآباد می‌باشند، لکن دوایر دولتی استرآباد ابدأ اعتنائی به حرفهای قونسول ندارند. گاهی از طرف قونسول پیغامی من غیر رسم داده می‌شود. معاون حکومت با ابوالفتح‌خان یاور ژاندارم جوابهای نامساعد سخت به او می‌دهند. بین قونسول و کارگذار و نایب‌الحکومه فوق‌العاده دلتنگ می‌باشند.

### درباب ارزاق

اهالی استرآباد سه‌چهار روز است از عسرت و ضیق<sup>۶۸</sup> معاش آسوده شدند. گندم و آرد [را] که خرواری شحت‌تومان بوده حال هیجده تومان می‌فروشدند. جو خرواری چهل تومان را ده تومان می‌فروشدند. لکن برنج به همان قیمت باقی، خرواری یکصدتومان می‌فروشدند.

## نمره ۲۱

۸ ماه جولای ۱۹۱۸

### درباب چپاول

بیست و سیم ماه‌جون يك‌عده پیاده ترکمان به جنگل خیرات دوفرسخی مشرقی چپاول رفته چندبار مال‌التجاره از شاهرود حمل بوده، خبر به‌تجار دادند که ترکمان بسخو نموده است. به‌توسط ساعدالسلطنه ابوالفتح‌خان پنجاه ژاندارم دوفرسخی مشرقی فرستاده مال‌التجاره را به سلامت وارد کردند.

### درباب چپاول

بیست و پنجم ماه مذکور چندسوار طایفه اتابائی بیرون دروازه یابوی ابوالقاسم خان کلانتر را با دو بار و چهار گاو چپاول بردند.

### درباب قتل ژاندارم

اوانس مسیحی برای اداره ژاندارم کندرات<sup>۶۹</sup> نموده از دوفرسخی شمالی با عرابه علف خشک حمل می‌کرد و همه‌روزه يك‌نفر ژاندارم مستحفظ همراه داشته. روز بیست و هشتم‌ماه چون مقارن غروب از [سحرای] عراقی علف چیده برمی‌گردند حبیب‌الله ژاندارم قوطی سیکار را در علفزار خاطر(?) کرده بین راه برگشته قوطی سیکار خود

\* در صفحات ۵۵۹، ۵۶۰ دارو کولف و دارو کلف آمده. ۶۸- اصل: عسرت و ضیق.

۶۹- (= کترات).

را بگیرد هفت نفر پیاده ترکمان که از جنگل خیرات دست‌خالی برگشته بودند ژاندارم را بر خورده تفنگ می‌زنند. حبیب ژاندارم مقتول، اسب و تفنگ او را بردند. چهار ساعت از شب گذشته او انس مسیحی خبر به‌اداره ژاندارم می‌دهد. پنجاه نفر ژاندارم فوراً به [صحرای] عراقی دوفرسخی شمالی رفته نعش ژاندارم را گرفته برگشتند. روز بیست و نهم نعش ژاندارم مقتول را به احترام برداشته به‌خاک سپردند. لکن اداره ژاندارمری<sup>۷۰</sup> قتل مذکور را از ناحیه ساعدالسلطنه می‌دانند که بر ضد حکومت و ایشان رفتار می‌شود. بعد از قتل ژاندارم که فعلاً عده ایشان دو بیست و هشتاد نفر می‌باشند چنان واهمه برای آنها وارد شده است که از شهر بیرون نمی‌روند. در خارج هم به ترکمانها و اهالی بلد از طرف خوانین و تجار اتحاد اسلام انتریک برای فرار ژاندارمها گردیده است. ایضاً بعد از سه روز اسب ژاندارم مقتول را شبانه داخل شهر رها کرده رفتند.

### درباب چپاول

سلخ ماه مذکور چهار نفر مکاری بایک زن به سمت بندر جز می‌رفتند. دوفرسخی بندر جز تراکمه جعفر بائی بسخو داشته ایشان را لخت کرده، اسباب و مالها را غارت کرده بردند.

### درباب مرض کلرین

چندی است مرض کلرین از قراسو به کرد محله سرایت کرده متجاوز از دو بیست نفر فوت شده. در شهر چند روز است بروز نموده، سی نفر از غربا و اهالی شهر مبتلا گردیده، اکثر از نداشتن پرستار تلف می‌شوند.

### درباب قتل

دویم ماه جولای پسر حاج محمد هادی ساکن قریه دنکلان دوفرسخی مشرقی در شهر اجناس خریداری بر می‌گردد، جنب رودخانه انجیر آب نیم فرسخی مغربی او را به قتل رسانیده مال و اجناس که داشته بردند. نعش او را بعد از دو روز دفن می‌نمایند.

### درباب خبر بار فروش

شب چهارم ماه مذکور صاحب منصبان ژاندارم اظهار داشتند یک پراخوت که دارای یکصد و پنجاه نفر بالشویک بوده وارد مشهد سر شده جوو گندم خریداری نمایند. حکومت مشهد سر باریس نظمیه مانع از خریدن آن‌وقت می‌شوند. بالشویکها ایشان را مغلولاً در پراخوت برده حبس می‌نمایند. پانزده نفر ژاندارم که در آنجا پست داشته با اشخاص بالشویک نزاعی کرده، دو نفر بالشویک مجروح و شش نفر آنها به دست ژاندارم اسیر گردیده حاکم و رئیس نظمیه را از توی پراخوت آورده آدمهای خود را می‌برند. لکن ورود بالشویکها

را از بار فروش مکتوباً نوشته‌اند، نزاع آنها را چیزی اظهار نشده است و انتشار آن از ناحیه ژاندارمری است.

### درباب چپاول

ایضاً هفتم ماه جولای مباشر کردمجله دو بیست تومان وجه برای اداره مالیه می‌فرستند. تراکمه جعفر بائی دوفرسخی مغربی مکاری را به درخت بسته پول و اجناس و مال او را گرفته بردند لکن اداره مالیه این مطلب را مهدی‌خان مباشر نمی‌پذیرند.

### نمره ۲۲

۲۲ ماه جولای ۱۹۱۸

### درباب نزاع و قتل

دهم ماه جولای عباسعلی نام تاجر بایک نفر رعیت نودیجه [ای] عازم بندر جز بوده دوفرسخی مغربی هفت نفر ترکمان بسخو داشته عباسعلی را تفنگ می‌زنند. انگشت او را گلوله ۷۱ خراب کرده، رعیت نودیجه دو نفر ترکمان را به قتل رسانیده رفتند.

### درباب قتل

دوازدهم ماه مذکور خبر رسید یک فرسخی مغربی تراکمه یک نفر آدم را به قتل رسانیده و اجناس او را بردند.

### درباب اخبار روسها

چندی است از قونسلخانه روس انتشار می‌دهند دو هزار قشون روسی که فرمانده آنها صاحب منصب انگلیسی است به استرآباد وارد خواهند شد. اتحاد اسلامیان می‌گویند دروغ است. لکن تراکمه قدری از این حرف متوحش شده‌اند.

### درباب قتل محمد مهدی خان ملک ساعد السلطنه

سابقاً به عرض رسانیده بود رشید السلطان معاون سردار مقتدر محرمانه وارد استرآباد گردیده به تحریک ساعد السلطنه با وکیل التجار به اهالی قدغن شده کسی دیوانخانه عارض نشود. به سبب این سوء رفتار ایشان به معاون حکومت چند نفری برای قتل ساعد السلطنه اتحاد می‌نمایند. اشخاص اتحاد کنندگان: حیدرخان رشید السلطان کفیل حکومت — ابو الفتح خان یاور رئیس ژاندارم — ضیاء حضور رئیس کابینه حکومت — آقامحمد قاسم مدیر پسر آخوند ملاهادی — آقامحمود مفتش استرآبادی ولد آقاسید فضل الله — میرزا هاشم بنی کریمی ولد آقاسید محمد گل. سه چهار نفر دوایر دولتی بارشید السلطان به عنوان

هواخوری دوشب به زیارت خاسته رود می‌روند. در ضمن آقاسید محمود وسید محمد قالی خان را واداشته به کمک ژاندارم ساعد السلطنه را بکشند. شب ۱۴ ماه جولای دونفر قاتل خود را توی منزل ساعد السلطنه پنهان کرده، مشارالیه چون ریاست طلب بوده احتمالاً مشغول کار و حقرسی بودند. نصف شب برای خواب از بیرونی می‌روند اندرونی، فوقانی داشته که می‌خوابیدند. هفت ساعت از شب گذشته می‌خوابند. در آنجا عیال بایک نفر کلفت پائین خوابیده، خودش با محمد حسین خان پسرش به سن دوازده ساله روی تخت می‌خوابند. قاتلین وقت را غنیمت شمرده فرصت یافتند توی طالار می‌روند. با هفت تیر و موزر دوتیر توی دهن و مغز ساعد السلطنه که اول شخص استرآباد و خیلی کاری بود می‌زنند. پسرش حرکت کرده فریاد می‌کند، تیری به مغز آن می‌زنند که ساکت شد. پدر را با پسر مقتول ساخته از در اندرونی با کمال قدرت می‌روند. روز شانزدهم بر حسب شهادت عده‌ای از شهر، آقامحمد قاسم و آقامحمود و سید محمد علی خان وسید احمد را با شیخ احمد به اداره ژاندارم برده حبس می‌نمایند. در ضمن رشید السلطان نایب الحکومه برای ترحیم ساعد السلطنه می‌آیند. رمضان علی وکیل التجار بعد از انجام ختم و خواندن روضه توی مجلس ایستاده فحش عرضی\* نامربوط به رشید السلطان می‌گویند که نباید ساختی در استرآباد بمانید، چون قتل ساعد السلطنه به تحریک شما خواهد بود. جمعیت مجلس ختم حرکت نموده رشید السلطان را بکشند. ابوالفتح خان یاور جلوگیری از خالق نموده جواب قانونی می‌دهد [اگر] نظر سوء ظن از رشید السلطان دارید بروید تلگرافخانه به طهران عارض شوید. بعد از...\* \*مجلس تجار و کسان ساعد السلطنه تلگرافخانه رفته تلگرافاً عارض می‌شوند که قاتل رشید السلطان است. روز دیگر از طرف اداره ژاندارم به اهالی شهر اعلان گردیده امنیت به عهده ژاندارم است. هر کس اسلحه داشته باشد یاروز یاشب گرفته خواهد شد. اعلان نمودند هر نقطه زیاده از ده نفر انجمن نمایند دستگیر خواهند شد. شهر نظامی شده شبها ژاندارم سواره گردش می‌نمایند. خلق استرآباد از ترس دکاکین را باز کرده مشغول به کسب خود می‌باشند. لکن محمد مهدی خان ساعد السلطنه امروزه اول شخص استرآباد و آدم بسیار باهوش و کاری بود. کلیه از طوایف یموت و اهالی بلد شنوایی داشتند. بعد از فوت آن مرحوم در طایفه ملک آدم کاردان قابلی ندارند. تا چه اقتضا کند.

## نمره ۲۳

نمره اگست ۱۹۱۸

در باب ساعد السلطنه

به عرض رفته بود چون قتل آن مرحوم را از ناحیه رشید السلطان تصور نموده و

تلگرافات عدیده به طهران نمودند، لذا شب نوزدهم ماه جولای وزارت داخله تلگرافاً رشیدالسلطان باضیاء حضور رئیس کابینه را احضار به طهران کرده، روز بیستم سه نفر ژاندارم ایشان را تاشش فرسخی مشرقی مشایعت نمودند و کفالت استرآباد [را] به ابوالفتح خان یاور و گذار می نمایند.

### درباب چپاول

بیست و یکم ماه مذکور یک نفر ترکمان یک بار آرد به صحرا حمل می نماید. یک فرسخی شمالی دزد ولایتی ترکمان را لخت کرده آرد و مال او را می برند. ابوالفتح خان مأموری فرستاده چند نفر رعیت کریم آباد را آورده بی سبب و تقصیری چوب زیادی و حبس می نمایند که سارق کیست؟

### درباب چپاول

۲۳ ماه جولای دو نفر تجار عازم قریه جلین یک فرسخی مشرقی بوده، ترکمانها بسخو داشته تجارها را با مال گرفته بی نراه تجارها را رها می نمایند.

### درباب قتل

۲۵ ماه مذکور تراکمه طایفه دازیک نفر رعیت تقرتپه را در سه فرسخی مشرقی به قتل رسانیده مال او را می برند.

### درباب ورود

روز مذکور کاپیتان سویدی به استرآباد وارد شد. اولاً تمام عده ژاندارم برای نرسیدن حقوق و مخارج شکایت نمودند. کاپیتان مزبور امر کرد دوروزه برای حرکت از استرآباد خود را حاضر نمایند. فقط سی نفر پیاده ژاندارم جدید [را] که از غربای استرآباد بودند برای ابوالفتح خان گذارده بقیه را به توپخانه روز بیست و هشتم به سمت شاهرود فرستاده و شخصاً با چند نفر ژاندارم بندر جز رفته از آنجا به شاهرود می روند. روز حرکت ژاندارم بی اندازه به اهالی استرآباد اذیت رسانیده باشلاق از مردم مال برای بنه گرفته توپخانه و لوازمات را حمل به شاهرود نمودند. ابوالفتح خان یاور به قرب پنج هزار تومان برای مخارج اداره از تجار و خوانین استرآباد به عنوان قرض و مساعده گرفته تا به حال دیناری از این قرض اداء نشده است. ایضاً ابوالفتح خان از کفالت حکومتی استعفا داده تلگرافی به وزیر داخله عرض می کند بعد از حرکت ژاندارم امنیت استرآباد و نگاهداری از دوایر دولتی خیلی سخت است. بیست و نهم ماه جولای تلگرافی از طرف سردار معزز بجنوردی به عموم علمایان گردیده حکومت استرآباد [با] مشارالیه و کفالت را واگذار به سالار اشرف نموده، ایشان هم در نکارمن دو فرسخی شاهرود محل بیلاق خود رفته از قرار مذکور ادارات دولتی کلیه تغییر خواهند کرد. تاجه اقتضا کند.



### درباب تغییر کارگذار

محقق‌الملک کارگذار استرآباد معزول [و] به کارگذاری گیلان منصوب شده. روز ۲۹ اهل و عیال خود روانه به‌جا جرم می‌نماید و شخصاً هم برای وصول حقوق شش‌ماهه به‌شاه‌رود رفته از مالیه آنجا وصول و به‌استرآباد عودت کرده از دریا به گیلان می‌روند. عجالاً کفالت کارگذاری با میرزا شکرالله‌خان معاون است.

### درباب قتل

سلخ ماه مذکور خبر رسید تراکمه داز یک نفر رعیت حسین آبادی سه‌فرسخی مشرقی راتیرزده، هشت رأس مال و گاو به‌سرقت بردند.

### درباب حریق

الیوم که غره ماه اگست است یک نفر سید حلبی‌ساز با دو شاگردش چلیکهای نطفه را الحیم ۷۲ می‌کردند. چلیک از شدت آفتاب آتش گرفته دونفر را سوزانیده که زغال شدند. یک نفر هم شاگرد مجروح و مشرف به‌موت است.

## نمره ۴۴۵

۱۹ ماه اگست ۱۹۱۸

### درباب سویدی رئیس ژاندارم

سویدی رئیس «اسکادران» به‌عرض رفته‌بود که شخصاً بندر جز رفته است، از بندر جز با پراخوت به‌شهبوار و رود سر می‌رود و پیغامات خود را به‌جنگلیها رسانیده مراجعت به‌استرآباد کرده به‌شاه‌رود رفتند.

### درباب سالار اشرف

بعد از رسیدن تلگراف به‌سردار معزز و تصویب آن به‌حکومت استرآباد با کفالت سالار اشرف جمعی از اهالی استرآباد برای حرکت سالار اشرف در نکارمن رفته به‌هر زبانی بود او را ساکت کرده حرکت کردند. سیم ماه اگست وارد شده چند تیسر توپ برای حفظ و حراست شهر شلیک نموده خبر به‌طایفه یموت می‌رسد که رفع شرارت تراکمه بشود. ایضاً سردار معزز تلگرافی به‌تمام علمایان استرآباد تبریک گفته، اهالی استرآباد هم تبریک عرض کردند. سالار اشرف سه روز به‌دارالحکومه رفته مشغول رسیدگی امورات بود. رؤسای تراکمه جعفر بائی و اتابائی را احضار کرده مشغول سفارشات سرحدی بوده



که تلگراف می‌رسد کابینه صمصام السلطنه تغییر نموده، وثوق الدوله تلگرافاً یاور ابوالفتح خان را کفیل قرار داده، ضمناً سردار معزز تلگرافی به سالار اشرف و ابوالفتح خان می‌نماید سرحد استرآباد را به نحو خوشی نگاهداری نمایند. پاتزده روز دیگر حرکت می‌نمایم. سالار اشرف برای کفالت سه‌روزه خفیفانه به منزل رفته چند نفر رعیت را احضار کرده شب‌وروز او را کشیک می‌کشیدند. تاجه اقتضا کند.

### درباب چپاول

نهم ماه مذکور تراکمه اتابای نیم‌فرسخی مشرقی بسخو داشته سه‌رأس مال بادوبار گندم رعیت ولیک‌آباد را چپاول کرده بردند.

### درباب قتل

یازدهم ماه اگست تقی‌خان قاجار از بستگان سالار اشرف بایک نفر کلاجانی واقعه دریک فرسخ ونیم مغربی به شهر می‌آمدند. سه‌چهار بار گندم با پیاز همراه داشته، تراکمه جعفر بائی بسخو داشتند تقی‌خان را به قتل رسانیده مال و بارها را به غارت برده، دست یک نفر رعیت را تیر گرفته مجروح است.

### دربا بمر اجعت سویدی از بندر

مشارالیه برای ملاقات جنگلیها به تنکابن ۷۳ می‌رود. بر حسب اتحاد ژاندارم با جنگلیها دستور العمل و تبلیغات خود را به آنها داده مراجعت [کرده] روز ۱۲ ماه مذکور وارد به استرآباد می‌شوند. امر کرده سوارهای ژاندارم و پیاده که از طهران و مازندران آمده بودند سه‌روزه خود را برای رفتن به طهران حاضر نمایند. روز ۱۳ به قونسلخانه رفته قونسول را ملاقات [و] شب ۱۴ بایک عده ژاندارم حرکت به شاهرود نموده رفتند و منتظر حرکت بقیه ژاندارم می‌باشند.

### درباب چپاول

۱۶ ماه اگست پانصد قدم مشرقی شهر مقارن ظهر مکاری از شاهرود دوبار آب نبات، یک بار قماش و دوبار گندم برای تجار استرآبادی حمل کرده، یازده نفر پیاده ترکمان بسخو داشته، دست یک نفر مکاری را با کارد مجروح [و] سه نفر مکاری را به انضمام بارها و مال چپاول کرده بردند. خبر به ابوالفتح خان نایب‌الحکومه رسیده امر کرد پنجاه نفر ژاندارم با دو عراده توپ بیرون بدنه که حصار شهر است می‌روند، از دروازه دیگر وارد در بازار [شده] نمایش داده به منزل رفتند.

### درباب معزولی

روز مذکور وثوق الدوله تلگرافی به یاور ابوالفتح خان صاحب منصب ژاندارم می نماید، کفالت حکومت استرآباد به شما سپرده شده است تا حکومت معلوم شود. سالار اشرف کفیل حکومت سردار معزز تازه از نکارمن وارد شده و سه روز معاونت حکومت را داشته توهین و سکتہ بزرگی وارد به مشارالیه گردیده. شب ۱۷ تعرضاً از استرآباد حرکت کرده به محل بیلاق خود می روند. لکن برای تغییر کابینه و کفالت سه روزه سالار اشرف باعث تجری تراکمه شده است. شب و روز مشغول تاخت و تاز و غارت و قتل نفوس محترم و اغتشاش توی شهر و چند فرقه بودن اهالی به ضدیت همدیگر و آوردن تعرفه برای انتخاب وکیل و پارتی بازی و عوام فریبی برای غرضهای شخصی و نفع خود و انداختن شب نامه به خانه های بعضی محترمین برای گرفتن وجه و ترساندن مردم [اند]. کلیه اول مغرب درهای خانه ها [را] بسته از ترس کسی را به خود راه نمی دهند.

### درباب سرقت

شب ۱۸ ماه اگست دزد ولایتی خانه میرزا احمد حکیم را شکافته به قرب هشتصد تومان از پول مسکوک، از نقره و پنج مناتی و طلای ساخته به سرقت بردند.

### درباب ژاندارم

بقیه سواره ژاندارم ابوابجمعی نصرالله خان سلطان که مشارالیه شخصی متهور بوده و اغتشاش ولایتی و قتل ساعدالسلطنه به مساعدت سلطان مذکور بوده برای عزیمت به طهران حکم تلگرافی رسیده بود، سیصد تومان از رعیت فلک زده به عنوان حمل بنه با سرنیزه گرفته، بیست رأس مال برای حمل توپ و بنه نگاه داشته، روز نوزدهم با هفتاد سواره ژاندارم حرکت نموده، بین راه تا شاهرود مردم را چاپیده، یک نفر رعیت شاهکوهی را در بالای قزلق به قتل رسانیده، تفنگ و مال او را به غارت بردند. اهالی شهر عموماً از رفتن ژاندارم و نصرت الله خان سلطان شکر کرده و تمام بلوای شهر و انقلاب از ناحیه مشارالیه بوده است. فقط یاور ابوالفتح خان با دو صاحب منصب و دکتر و بیست و پنج نفر ژاندارم پارکابی و شصت نفر پیاده که از استرآباد گرفته آن هم از گرسنگی و فرسیدن حقوق عمأقرب استعفا خواهند داد استرآباد توقف دارند. تا چه اقتضا کند.

نمره ۲۵

۱۹۱۸

### درباب سرقت

شب بیست و یکم ماه اگست دزد طایفه اتابائی به شهر آمده گذر بنی کریمی خانه ای

شکافته به قرب دویست تومان اجناس و ملبوس به سرقت بردند.

### درباب حکومت

وزیر داخله تلگرافی به ابوالفتح خان کفیل نموده است [که] حکومت استرآباد  
و اگذار بد عبدالحمید خان کاشی سردار مقتدر [شده] بدستور العمل او رفتار نمایند.

### درباب سرقت

بیست و سیم ماه مذکور تراکمه طایفه داز دونفر رعیت از حسین آباد ملک سه  
فرسخی مشرقی با دو رأس مال اسیر کرده بردند.

### درباب غارت و تحریک تراکمه

محمدباقر خان سردار رفیع که در مازندران با اتحاد اسلام و جنگلیها معیت داشته  
به خیال حکومت استرآباد مراجعت به هزار جریب کرده با طهران مشغول مذاکره [شده] و  
سه هزار تومان وجه تقدیمی را دادند. ضمناً طایفه جعفربای را محرک است که شرارت  
و قتل و غارت نمایند. من جمله بدتصویب مشارالیه هیجده نفر ترکمان جعفربای پیاده  
از خاک هزار جریب بدچمن ساور می روند. یک دستمکاری پنجاه رأس قاطر مال التجاره از  
شاهرود حمل بندر جز نموده، تراکمه شاترده رأس قاطر خوب را بادوبار آب نبات، شش  
من تریاک و چهار جعبه ایضاً تریاک که با چاپار حمل شده، مال و نوشتجات پست را  
برداشته از گدوک درازنو مراجعت کرده جنب قریه بالاجاده چهارفرسخی مغربی به  
صحرا رفتند.

### درباب اسیر

بیست و هشتم ماه مذکور پنج نفر رعیت سعدآبادی از راه جهان نما سه فرسخی  
مغربی می آمدند تراکمه جعفربائی بسخو داشته آدمها به انضمام مال و دو جلد روغن  
گرفته به غارت بردند.

### درباب نواقل

میرزا عیسی خان رئیس غیر مستقیم از طرف وزارت مالیه به مأموریت نواقل وارد  
[شده] بدستور العمل مالیه استرآباد از تاریخ هفتم برج اسد مشغول گرفتن نواقل  
گردیده، یک ماهه عایدی نواقل از سدروازه شهر دویست و پنجاه تومان شده است.

### درباب معزولی

حاج میرزا کریم خان رئیس تحدید معزول [شده] میرزا داودخان پسر مجدالملك  
به ریاست تحدید وارد شده. بسیار جوان معقول هستند.

### درباب سیاسی

چندی است استرآباد و طوایف یموت منتشر شده است سیصد هزار قشون انگلیس وارد خاک ایران گردیده پنجاه هزار برای امنیت قفقاز و جلوگیری از عثمانی از راه رشت می‌روند. دویت و پنجاه هزار در سرحدات ایران مأمور امنیت خواهند بود. تراکمه از این حرف خیلی متوحشند. تاچه اقتضا کند.

### نمره ۲۶۵

۱۲ سپتمبر - ۱۹۱۸

### درباب قتل

سیم ماه سپتمبر خبر رسید تراکمه طایفه داز به قریه قلی آباد چهارفرسخی مشرقی دزدی رفته یک نفر رعیت مقتول، یک رأس مال بردند.

### درباب گنبد قابوس

سابقاً به عرض رسانیده بود تراکمه گنبد را محاصره کرده دکاکین را تخلیه می‌نمایند. مجدداً وزارت خارجه حکم به رفتن اعتصام الممالک رئیس کمیسیون نموده چند روزی می‌روند. از شدت سختی معاش و ناهمواری تراکمه لوازمات کمیسیون را حمل به شهر می‌نمایند. بعد از حرکت ایشان تراکمه شبانه به کمیسیون رفته چند نفر کسبه... ۷۳ در آنجا بوده تماماً را غارت کرده، یک نفر خیاط را به قتل رسانیده. کمیسیون گنبد قابوس از اجزاء دولتی و کسبه ولایتی بکلی تخلیه گردیده، فقط تجار گموش تپه است.

### درباب قتل

پنجم ماه مذکور خبر رسید تراکمه طایفه داز بعد از قتل ساعد السلطنه دو سه فرقه شده هر فرقه بایک نفر از کسان آن مرحوم متحد شده بنای خرابی دهات ملک رادارند. قریه چنار قشلاق تازه ساخته شده است، یک نفر رعیت را تراکمه بی جهت به قتل رسانیده، عقیده برای خرابی آنجا دارند. تاچه شود.

### درباب چپاول

ایضاً غلام تلگرافخانه تاش یکصد و هفتاد و شش تومان وجه حمل به استرآباد داشته جنب قریه اوزینه نیم فرسخی مشرقی تراکمه اتابائی او را لخت کرده وجه را با مال غلام به غارت بردند. ابوالفتح خان کفیل حکومت چون از عهده استرداد وجه از تراکمه

نمی‌تواند برآید لهذا امر کرده وجه غلام تلگراف را از شش پرگاله دهات استراباد رستاق دریافت تسلیم تلگرافخانه نمایند.

### درباب سرقت

نواب منصورالسلطان از طرف مالیه مأموریت کتول داشته، مراجعت شب را در قزلق مانده، تراکمه داز اسب نواب والا را بایک رأس یابو سرقت کرده بردند.

### درباب سرقت

ششم ماه سپتمبر پست بندر جز عازم استراباد بوده به دستگیری سه نفر دزد ساکن کرده محله چهارفرسخی مغربی پست مذکور را غارت [کرده] یکصد تومان وجه به سرقت بردند. برای دستگیری سارقین کفیل حکومت چند نفر ژاندارم فرستاده سارقین را بیاورند. تاچه شود.

### درباب چپاول

ایضاً خبر رسید نفس سردار ترکمان جعفربائی بایک عده سوار به قریه کرده محله چپاول رفته، یکصد و سی رأس گامیش چپاول کرده دونفر چوپان مقتول و یک نفر مجروح شده است.

### درباب حکومت

هشتم ماه سپتمبر سردار مقتدر از سمنان تلگراف به امیرامجد نموده سی رأس مال، ده رأس برای سواری و بیست رأس برای حمل بنه روز دهم سپتمبر به شاهرود روانه نمایند. سردار مقتدر.

### درباب باران

شب دهم ماه مذکور دوساعت از شب گذشته باران بسیار شدیدی آمد. به فاصله نیم ساعت توی کوچه‌های شهر سیل روان شد. تقریباً این باران پنج هزار تومان به اهالی شهر خسارت وارد کرده است.

### درباب خبر عثمانیها

چندی است تراکمه انتشار می‌دهند از طرف عثمانیها به ایشان اطمینان داده شده است پانصد قبضه تفنگ پنج تیره آلمانی برای آنها بفرستند.

## نمره ۲۷۵

۲۴ ماه سپتمبر - ۱۹۱۸

### درباب قتل

چهاردهم ماه سپتمبر خبر رسید دویست سوار طایفه قرقچی به فندرسک رفته دونفر چوپان را به قتل رسانیده، یک بلوک گاو چپاول بردند.

### درباب چپاول

ایضاً سوار قرقچی ۱۶ ماه مذکور دوفرسخی شرقی سیصد رأس گاو از قریه سلطان آباد و قریه شغال آباد چپاول کرده بردند. چهل رأس گاو را کشته و تقسیم نموده، دویست و شصت تومان صاحبان گاو پول داده بقیه را مسترد نمودند.

### درباب خبر

۱۸ ماه سپتمبر از بندر خبر دادند با تلفون یک پراخوت جنگی که دارای پنجاه نفر قشون و دونفر صاحب منصب انگلیسی است وارد بندر جز گردیده، ابوالفتح خان کفیل حکومت به آقا بزرگ خان نایب الحکومه تلگراف نموده جلوگیری نمایند. بدون اجازه حق ندارند بندر وارد بشوند. تلگرافاً به وزیر داخله راپرت می دهند. بعد از دو روز کارگذار بندر جز به استرآباد اطلاع می دهد یک نفر صاحب منصب انگلیس وارد بندر می شوند برای تفتیش. به فاصله دو ساعت مراجعت می نمایند.

### درباب حکومت

سردار مقتدر نوزدهم ماه مذکور از شاهرود حرکت کرده یک شب در تاش توقف [کرده] و شب بیست و یکم وارد خیرات دوفرسخی شرقی [شده] میهمان آقا علی خان مقصودلوی بوده، دوایر دولتی هم در پل غلامان جمع شده میرزا رضاخان رئیس مالیه پذیرائی می نمایند. بعد از صرف ناهار تاخیرات دوفرسخی استقبال می روند. شب بیست و دویم در خیرات توقف [می کنند] از اول مغرب باران شدیدی تاصبح [بارید]. به یک افتضاحی شب را به سر بردند. صبح بیست و دویم سردار مقتدر با اجزاء و دوایر دولتی در پل غلامان یک فرسخی مشرقی پیاده گردیده بعد از صرف شربت و چای که از طرف میرزا رضاخان رئیس مالیه پذیرایی شده بود یک ساعت توقف می نمایند. منشی قونسول روس با اسب یک استقبال آمده تبریک ورود را می گویند و حرکت کرده یک ساعت به ظهیر وارد به دیوانخانه گردیده خبر دادند سوار جعفر بائی یک بلوک گاو از قریه قلعه محمود دوفرسخی مغربی چپاول کرده برند. معظم الیه شش ماه است برای حکومت استرآباد تصویب شده و حالیه را دو عراده توپ، یکی شصت تیر و یکی شنبدل که در شاهرود بود با دو

نفر صاحب منصب توپ و ده نفر سوار گوداری پشت بسطامی وارد می شوند. در صورتیکه امروزه برای جلوگیری ترکمان دوهزار سوار فعال نظامی لازم است. چون يك سال است ترکمان آنچه شرارت و قتل و غارت کرده ابداً جلوگیری از آنها نشده است. يك طرف محمدباقرخان سردار رفیع محرك است. يك طرف برای خبرهای متواتر ۷۵ که از طرف عثمانیها به توسط تراکمه جعفربائی می رسد، به واسطه هم مذهبی با وعده آنها که بی مأخذ [است] و اصل ندارد تفنگ آلمانی فرستاده می شود بی اندازه شرارت دارند. خصوصاً این روزها که فصل محصول شلتوک است. ایضاً خبر رسید روز بیست و سیم ماه سپتمبر دو بیست نفر سوار جعفربائی برای چپاول گاو قریه کریم آباد آمده نیم فرسخی شمالی دو ساعت نزار سختی کرده دست خالی برگشتند. تاچه اقتضا کند.

## نمره ۲۸۵

۱۴ ماه اکتبر - ۱۹۱۸

### درباب تعیین سوار سابق

به موجب حکم اولیای دولت قاهره که در سنه ماضیه برای گرفتن سوار استرآباد رسیده بیست و ششم ماه سپتمبر از طرف سردار مقتدر چند نفر سوار بدهات استرآباد رستاق رفته قدغن می نمایند پاترد در روز سوار سابق استرآباد که چهارصد نفر بود حاضر شوند.

### درباب قتل

روز ورود ایالت چند نفر سوار ترکمان طایفه آق در صحرای اوزینه نیم فرسخی مشرقی يك بلوک گوسفند چپاول کرده بردند. محمد کاظم نامی جلوگیری از ترکمانها نموده گوسفند را پس گرفته بود و يك نفر ترکمان هم مجروح شده بود. ترکمانها در کمین بوده، شب بیست و هفتم ماه مذکور محمد کاظم را جنب دروازه سمت مشرقی [که] سر محصول بوده مقتول [کرده] و تفنگ او را بردند.

### درباب ورود

سربازهای عرب و سوارهای گوداری بسطامی که بعد از تحویل حمل از گرسنگی و نرسیدن حقوق فرار کرده بودند برای تجلیل وقوه مجریه سردار مقتدر مجدداً مأمور شده یکصد نفر سرباز و بیست نفر سوار ابری بایک نفر سلطان و آجدان و دونفر نایب وارد گردیده مشغول تهیه لباس می باشند.



### درباب اسیر

ایضاً خبر رسید یکی از مالکین قریه حسین آباد سه فرسخی مشرقی را تراکمه داز اسیر کرده بردند. به توسط ملك فغانعلی یکصد و پنجاه تومان پول برای ترکمانها فرستاده اسیر را آوردند.

### درباب چپاول

دویم ماه اکتبر مکاری شاهرودی شکر حمل به استرآباد نموده نیم فرسخی مشرقی ترکمانها بسخو داشته مکاریها فرار [کرده] سه رأس قاطر و بارهای شکر را بردند.

### درباب قتل

ایضاً خبر رسید يك نفر ترکمان اتابائی [را] بین قریه اجابن و قلعه محمود يك فرسخی مغربی به قتل می‌رساند. تاچه اقتضا کند.

### درباب چپاول

هفتم ماه مذکور خبر رسید به تحریک خوانین ملك وضدیت با حاج محمد مهدی که در قرای ملك مالک است سیزده بارشالی حمل قرن آباد بود. تراکمه داز هفت نفر مکاری را به انضمام بارهای شالی اسیر کرده بردند. حاج محمد مهدی به حکومت عارض شده سردار مقتدر، مسعود لشکر را با سه سوار به قریه میان آباد مأمور کرده رفتند به توسط عباس خان کلانتر اسیر [کنند] و مالها را بیاورند.

### درباب چپاول

ایضاً خبر رسید تراکمه اتابائی يك رأس مال و پنج رأس گاو از قریه کریم [آباد] نیم فرسخی شمالی چپاول کرده بردند.

### درباب چپاول

هشتم ماه اکتبر يك نفر ترکمان جعفر بائی هفتاد تومان وجه نقد داشته به صحرا می‌رفت. پول او را بردند. ترکمانها يك رأس مال محمد آبادی را می‌برند.

### درباب قتل

شب دوازدهم ماه مذکور تراکمه اتابائی به قریه فوجرد دزدی می‌روند. صاحب خانه خبردار شده او را تفنگ زده مقتول شد.

### درباب بی‌شرفی دوایر

میرزا رضاخان رئیس مالیه با یمن‌الملك رئیس خالصه ضدیت کرده طرفین اتصالاً

به مرکز شکایت نموده، حتی در حضور سردار مقتدر فحش عرضی ۷۶ به هم می‌دهند. کلیه مقصود خوردن حقوق و مالیات دولت است و دزدی. چون خالصه جلوگیری از حرکات مالیه دارد لذا اجزاء مالیه میل ندارند ریاست خالصه جلوگیری از حرکات آنها کرده باشد. چنانکه ۷۷ قبل از ورود یمن‌الملک امیرخان مسیحی رئیس مالیه بوده به وزارت مالیه پیشنهاد کرده بودند به اسم يك نفر تاجر تبریزی موهومی درسی و پنج هزار تومان مالیات استرآباد را ده ساله که سیصد و پنجاه هزار تومان بوده باشد اجاره نمایند. وزیر خالصه یمن‌الملک را به استرآباد فرستاده رفع دزدی و تقلب اجزاء مالیه بشود. به این جهت همه روزه انواع و اقسام اسباب چینی و بی‌احترامی و توهین برای یمن‌الملک فراهم می‌نمایند.

## نمره ۲۹

۲۸ ماه اکتبر - ۱۹۱۸

### در باب اسلحه

تراکمه جعفربائی ساکن گموش‌تپه و خوجه نفس به عنوان تجارت از بندر جز و استرآباد خرید توتون و سیگار نموده به سمت شاه‌قدم و کراسنودسکی و بادکوبه برده با تفنگ پنج‌تیره تجارتي روسی معاوضه می‌نمایند. باینکه به قیمت منات یکی چهارصد منات خریده، عبارت از دوازده تومان بوده حمل به استرآباد کرده. اوایل شمت تومان به مصرف فروش رسانیده و حالیه کثرت تفنگ چهل تومان هم می‌دهند. فشنگ هم خیلی زیاد است. صددانه ده تومان می‌فروشند.

### در باب نواقل

در این مدت سه‌ماهه که به قوه ژاندارم نواقل را دایر کرده بودند انواع و اقسام مردم را چاپیده، از رعیت جریمه و دزدی‌ها می‌نمایند. از طرف گمرکخانه هم آدمی درب دروازه شهر برای تفتیش تریاک و مال قاچاقی گذارده بودند. ابوالفتح‌خان یاور قبل از محرم چند نفر علمای شهر را محرمانه ملاقات کرده اظهار داشت نواقل استرآباد از طرف مالیه اطمینان داده بودند باعث اذیت اهالی نشوند. حال چاپیدن آنها علنی شده است. از طرف اداره ژاندارم قول داده می‌شود نواقل را برهم بزنند. این مطلب را اوایل محرم به سردار مقتدر راپرت دادند. عقیده استرآبادی برای نواقل شورش خواهد بود. امر نمایند این دهه عاشورا نواقل را بردارند. در ضمن تجار کمیونی منعقد کرده قراردادند نواقل را بکلی برهم بزنند. نوزدهم ماه اکتبر رئیس مالیه اجزاء نواقل را امر کرد برای

۷۶- اصل: ارزی.

۷۷- اصل: چناناً.

گرفتن باج جلو دروازه رفته باجرا بگیرند. زنی چند طفل صغیر داشته هیزم می‌خرد، بار الاغ که سابق دو قران بوده برای گرفتن پنج‌شاهی باج چهارقران می‌فروشد. این زن به واسطه سختی و گرانی بدون حجاب در بازار فریاد می‌زند ملت استرآباد عزت و تعصب ندارند. هیزم الاغی چهارقران، هیزم اسبی هشتقران. یک مرتبه اهالی بازار دکاکین را بسته بلوا نمودند. اجزاء نواقل را کتک‌زبانی [زدند]. بعد برای تعدیات اجزاء تعیین به اداره مزبوره هجوم آوردند. در اداره بسته بود و رئیس تعیین در شهر بود. مصر و \* نام مسیحی تازه مسلمان دندانساز معروف از گیلان تازه وارد شده میهمان رئیس تعیین بود، بایک نفر ژاندارم مستحفظ اداره را اهالی چوب و باقمه می‌زنند که مشرف به موت است. سی و پنج پوط سوخته ده هزار تومان باندرل باتمام اثاث‌البیت و اسباب و لباس نایب مجیدخان ژاندارم را به انضمام دفاتر و لباس رئیس تعیین را به غارت بردند. حکومت و نفر از بلواچیان را برای استنطاق احضار کرده بلامقدمه چوب مفصلی به آنها زده، تجار امر کرده دکاکین را بستند. مسجد گلشن را فرش کرده دو نفر مقصر را از حکومت پس گرفته، اطراف و اهالی شهر را قدغن کردند مأمورین حکومت را به خود راه ندهند. تاکنون مسجد فرش [است] و حکومت را از کار واداشته احترامی برای او باقی نمانده. توقف مشارالیه بانداستن قوه مجریه در استرآباد بی‌ثمر است. تاچه اقتضا کند.

### درباب چپاول

شب ۲۴ ماه مذکور بیست و هشت سوار طایفه داز به جنگل گناره مشهور به دولت آباد رفته پانصد رأس گاو گالشی که [متعلق] به رعایای ملک بوده چهار فرسخی واقع است باهفت نفر چوپان چپاول کرده بردند. صد رأس گاو را تفریط کرده باقی را یکصد و پنجاه تومان صاحبان گاو فرستاده گاوها را مسترد نمودند. تاچه اقتضا کند.

### درباب چپاول

ایضاً تراکمه اتابائی پنج رأس مال و قاطر مکاری شاهکوهی را نیم فرسخی مشرقی شهر چپاول کرده بردند.

### درباب نزاع

۲۴ ماه اکتبر دو بیست سوار قرقچی به قریه میرمحل چپاول رفته ساخلوی قریه باخبر گردیده جلوگیری [و] دو ساعت نزاع [کرده] یک نفر ساخلو تیر گرفته، یک رأس اسب سقط شده سوارها برگشتند.

### درباب مرض

بیست و پنج روز است مرض جدیدی در استرآباد و تمام قرا عارض [شده] دو سه نوبه تب کرده فوت [می‌شوند]. تخمیناً روزی بیست نفر هم مرده است.

## نمره ۳۵۵

۱۱ ماه نوامبر ۱۹۱۸

## درباب چپاول

سلخ ماه اکتبر دوازده بار برنج صدری از قریه سرخونکلاته دوفرسخی مشرقی حمل به شاهرود بوده هفت نفر ترکمان ایلغی گرمابدشت بسخو داشته برنجها را با مالها چپاول کرده بردند. آقا علی خان دویست تومان وجه نقد فرستاده بارهای برنج و مالها رامستر د نمودند.

## درباب دخل حکومت استرآباد به چندین شعبات

سردار مقتدر چندین شعبه ادارجات برای خود معین کرده است. ریاست قشون با ایشان است، به انضمام سی چهل نفر سوار، و سرباز عمأ قریب از بی پولی فرار خواهند کرد. ریاست کابینه و ریاست نظمییه را در طهران مقاطعه کرده است با چند شعبه دیگر ضمیمه نذلییه است. یکی فروش مشروبات است. یک ماه قبل از ارامنه الترام گرفته فروشد و تمام مشروبات ارامنه را بدون وجه ضبط کرده به عنوان جریمه به توسط رئیس نظمییه بطری هشت هزار دینار می فروشد. ثانیاً یک دسته مطربه تماماً فاحشه را به استرآباد آورده به رئیس نظمییه سپرده است. هر شب به کار می روند، تومانی چهارقران حق الحکومه است به سردار می دهند. به تحریک سردار رفیع چندی قبل اهالی شورش کرده بودند. حکومت به توسط اعتصام الممالک باروسای شهر اصلاحی کرده به این شرط که خود سرانه مأموری به جائی نفرستند. به عموم مردم قدغن شده است کسی دیوانخانه عارض نمی رود، فقط سردار مقتدر با چند نفر اجزاء شخصی در کلاه فرنگی نشسته است و شبها چهار نفر قراول دارد. به اندازه ای حکومت مشارالیه ضعف دارد [که] کسی قادر نیست بیرون شهر برود... ۷۸. برای آمدن شهر کمتر از پاترده با تفنگ نخواهند آمد. شرق و غرب استرآباد کلیه برای تاخت و تاز تراکمه مسدود شده است. خصوصاً این روزها که تجار گموش تپه تفنگ پنج تیره زیادی حمل کرده تفنگهای ورنندل قدیمی را فروخته و تفنگ تازه خریداری می نمایند.

## درباب چپاول توی شهر

دویم ماه نوامبر اول مغرب دو رأس اسب و کالت را از بیرون شهر می آوردند، داخل دروازه پنج نفر ترکمان اتابائی دو رأس مال را از ملازمان گرفته به صحرا بردند. حکومت طماع با نداشتن قوه مجریه و تنفر اهالی روز به روز مزید بر علت است. امنیت سرحدی را امروزه دولت ایران نمی تواند از عهده نظم آن برآید. حکومت وقت هم

در صورتیکه بی غرض و طمع باشد با استعداد کاملی که دارای دوهزار نفر سوار و پیاده و چندین عراده توپ و اسلحه قابل نظامی باشند، آن هم به همراهی اهالی بلد ممکن است دارائی (؟) و جلوگیری از تراکمه می نمایند و الا لازم است استرآباد و یموت را به دولت بریطانیا واگذار کرده يك نفر جنرال نظامی با پانصد نفر سوار هندی استرآباد را برقرار و امنیت بدهند. شب و روز مردم در خوف و رجاء می باشند. نه در شهر کسی اطمینان دارد بعد از مغرب از منزل بیرون برود، و نه روزها از دروازه به جایی حرکت نماید.

### درباب قتل

چهارم ماه مذکور تراکمه جعفر بائی يك نفر جوان رشیدی راساکن نودیجه عازم شهر بود مقتول [کرده]، مال و تفنگ او را به یغما بردند.

### درباب چپاول

ایضاً به ضدیت تراکمه جعفر بائی روز ششم نوامبر دوازده نفر ترکمان از شهر برنج و آب نبات حمل به صحرا می کردند پیاده رعیت سدن رستاقی معیت کرده برای تقاص جوان نودیجه از نیم فرسخی شمالی شترها را با بار و يك نفر ترکمان جعفر بائی گرفته بردند. این است وضع حکومت استرآباد.

### در باب عزل دوائر

برای دزدی و خوردن عایدات دولت رؤسای مالیه و خالصه اتصالاً زدو خورد داشته، کار به فحش عرضی ۷۹ و حضوری رسیده بود. این مطلب را حکومت به وزیر داخله راپرت داده یمن الملك را بامیرزا رضاخان مالیه احضار به طهران [کرده] نواب سلطان حسین میرزا رئیس مالیه مازندران را به مأموریت استرآباد مقرر نموده اند. تا چه اقتضا کند.

### درباب ورود

نهم ماه نوامبر سردار رفیع به اتفاق مسعود الملك هزار جریبی که قبل از وقت اهالی استرآباد را برای خرابی حکومت سردار مقتدر محرك گردیده و تراکمه را اغوا به چابیدن نموده وارد شهر [شده] مشغول دید و باز دید می باشند. تا چه اقتضا کند.

### درباب چپاول

ایضاً سالار اشرف که امروزه از نمره اول خوانین است از بیلاق مراجعت کرده، دوازده رأس قاطر فرستاده از جلین گاه حمل نمایند. چند نفر ترکمان طایفه آق که یاغی می باشند قاطرها را چپاول کرده می برند. قربان نیاز با چند نفر ترکمان طعنه ۸۰ به حمایت سالار اشرف جلوگیری از اشرار نموده يك نفر ترکمان مقتول [ساخته] و قاطرها را گرفته آوردند.

۷۹- اصل: ارزی (همه جا).

۸۰- يك کلمه ناخوانا. (حین چاپ خوانده شد).

## نمره ۳۱

۱۸ ماه نوامبر ۱۹۱۸

### درباب چپاول

دوازدهم ماه نوامبر نوزده بار برنج امیری از قریه آهنگر محله دوفرسخی مشرقی حمل به شاهرود می نمایند، چهارفرسخی مشرقی زیر حد گدوک دوازده نفر پیاده ترکمان ایلغی و اتابائی برنج و مالها را چپاول کرده بردند.

### درباب قتل

ایضاً خبر رسید قریه پیشین کلانته چهارفرسخی مغربی که در اجاره جهانگیر مسیحی تبعه روس است اتفاقی افتاده یک نفر گماشته مشارالیه را برای تعدی باچوب زده فوت شد. از طرف حکومت نایب اکبرخان مأمور شده چند نفر از کسان قاتل را به شهر آورده سیصد تومان وجه به حکومت داده رفتند.

### درباب نظمیة

چند نفر زن مطربه را سردار مقتدر به رئیس نظمیة سپرده تومانی چهارقران به سردار حق بدهند. او باش محله پای سرو بی اعتنائی کرده بدون اجازه نظمیة زنهای مطربه را برده یک شب نگاه می دارند. معظم الیه یک نفر از آنها را گرفته حبس کردند. پنجاه نفر الواط محله پای سرو به اداره نظمیة رفته [به] رئیس توسری [زده] و بی احترامی [کرده] مقصر را کشیده بردند.

### درباب قتل نوده

قریه نوده من قرای ملک سه فرسخی مشرقی واقع، پسر حاج محمد مهدی مباشرت داشته برای تعدیات و ثمن خری و غیره رعیت شورش نموده گماشته اسدالله پسر حاج مذکور شبانه یک نفر رعیت را مقتول نموده فرار می کند.

### درباب جشن قونسولخانه

۱۴ ماه مذکور قونسول برای صلح بین الملل جشن گرفته بیرق متعدد اطراف قونسولخانه نصب کرده، آرامنه مقیم استرآباد را که تقریباً بیست نفر بوده احضار [کرده] تلگراف سفارت روس را برای آرامنه ترجمه نموده و چند نسخه سواد تلگراف را برای ادارات فرستاده است.

### درباب نزاع

طایفه جعفربائی به سبب خصومت سابقه یورش به کرد محله برده نزاعی می نمایند.

دوسه نفر طرفین مجروح [شده] ترکمانها سیصد گاو... \* از چهارده، چهار فرسخی مغربی، چپاول کرده اهالی کرده محله هم فوراً یکصد و پنجاه رأس گاو میش ترکمان را چپاول کرده بردند. طایفه جعفربائی با رؤسای سایر طوایف انجمن کرده قرارداد انعقاد اردوئی بنمایند. اطراف را محاصره [کرده] با تجار طرفیت نمایند، یا خسارت ترکمان را بدهند، یا جواب کرده تراکمه از شدت تاخت و تاز قرای استرآباد را ویران نمایند. کلیه طوایف یموت و اهالی استرآباد خرابی و ناامنی را از ناحیه تجار مشروطه خواه می دانند. تا چه اقتضا کند.

### درباب ورود

شانزدهم ماه نوامبر والی زاده به ریاست تلگراف و نواب سلطان حسین میرزا به ریاست مالیه استرآباد وارد شدند.

### درباب چپاول

۱۷ ماه مذکور خبر رسید شصت نفر سوار اتابائی چهار بلوک گوسفند از زیر حد قریه سرخونکلاته چپاول کرده بردند.

### درباب چپاول

ایضاً روز مذکور مقارن غروبى چهل نفر ترکمان اتابائی طایفه یان پی وسقى پیاده جلو دروازه فوجرد يك بلوک گوسفند متعلق به وکالت را چاپیده، با سه نفر چوپان می برند. نصف شب چوپان رارها کرده و علنی گوسفندرانگاه داشته چهارصد تومان حق الزحمه خواسته اند. رسماً به توسط کارگذار به سردار مقتدر حاکم نوشته ابداً اقدامی هم نشده است. از قوه حکومت هم به فعل نخواهد آمد. چنانکه دربآب چپاول دو رأس اسب وکالت در غره قبل تلگرافاً عرض نموده مرحمتی و مساعدتی نفرمودند.

## نمره ۳۳

۹ ماه دسمبر ۱۹۱۸

### درباب چپاول

بیستم ماه نوامبر تراکمه ایلغی با طایفه داز به گرمابدشت چهار فرسخی مشرقی بسخو داشته هفت بار برنج صدری بامالهای مکاری را بردند.

### درباب فرار رئیس ژاندارم

مدتی بود ژاندارمها را احضار کرده بودند. ابوالفتح خان برای تصفیه امورات



و گرفتن حقوقات خود و غیره توقف داشته، تراکمه چندشب برای قتل او به شهر آمده بودند. مشارالیه مخبر گردیده در صورتیکه دوهزار و هشتصد تومان پول اجناس و قروض ژاندارم به موجب قبض شخصی در بازار مقروض بوده شب بیست و چهارم ماه مذکور ساعت شش فراراً از راه شاهرود به طهران رفتند.

### درباب قتل محمدخان ایلغی

در تاریخ ۲۴ ماه مرج ۱۹۰۹ نمره ۵ به عرض رسانیده بود حاج رحیم خان سرتیپ رادر طایفه ایلغی به قتل رسانیده بودند و سی هزار تومان اموال او را بامواشی به غارت برده بودند. چندسال بود برادرهای حاج رحیم خان و پسرش حیدرقلی خان با تراکمه قاتل خصومت ورزیده رفت و آمد داشتند. در این ایام تراکمه جعفر بائی تفنگ پنج تیره فوق العاده برای فروش آورده از تراکمه و اهالی شهر خریداری کرده اند. آقا علی خان مقصودلوی برادر حاج رحیم خان شصت قبضه تفنگ و ده هزار فشنگ به توسط محمدخان ترکمان رئیس طایفه ایلغی قاتل برادرش خریدار شده، مشارالیه تفنگها را از گموش تپه خریده می فرستد. هزار تومان هم پول داده بودند. برای بقیه وجه تفنگ برای محمدخان پیغام می دهند برنج حاضر است. رعیت جرأت آمدن نمی کند. محمدخان به اتفاق یک نفر ترکمان روز بیست و چهارم ماه نوامبر به قریه سرخونکلا تپه وارد به خانه حاج رحیم خان گردیده شب را توقف کرده صبحی برنج حمل نماید. طلیعه صبح بلند شده چای گذارده بخورند. گماشته آقا علی خان تیری به گوش محمدخان زده فوت شد. ترکمان دیگر را تیری می زنند کارگر شده پیاده به صحرا می رود. دو روز نش محمدخان را نگاه داشته رعیت سرخونکلایی تماماً از صحرا مراجعت کرده بعد فرستادند چون طایفه جعفر بائی با طایفه ایلغی هم تیره و یک سلسله محسوب می شوند خوانین و قضات آنها برای ترحیم به طایفه ایلغی آمده مذاکره برای انعقاد اردو و خرابی دهات استرآباد رستاق را می نمایند. طایفه داز و اتابائی صلاح ندانسته و اقدامی هم نکرده اند. تاچه اقتضا کند.

### درباب شورش

چندی است رؤسای استرآباد سوءظنی که از سردار مقتدر داشته بلوای سخت است و همه روزه تلگرافات به اولیای دولت می نمایند. میرزا هادی خان فندرسکی را فرستاده اند که یک عده ایلجاری به شهر آورده حکومت را بیرون نمایند. سردار مقتدر به ضدیت رؤسای شهر و علما چند نفر از اوباش محله پای سرو را با محله میخچه گران به دیوانخانه برده، بیست بطر عرق به آنها داده نفری پنج قران هم پول و دستور العمل به آنها داده سه ساعت از شب رفته الواطها به سمت محله سرچشمه درب منزل شیخ محمدباقر فاضل رفته فحش [می دهند] و زنده باد سردار مقتدر به صدای بلند [می گویند]. کسان شیخ فاضل دونفر از آن اشخاص مست را گرفته چوب زیادی می زنند. شب دیگر که بیست و هشتم ماه مذکور است به امر آقا رمضانعلی و کیلالتجار و آقامیرزا مهدی مجتهد و شیخ فاضل سیصد نفر اهالی شهر دیوانخانه را محاصره کرده تا صبح عمارات دولتی را تفنگ

می‌زنند. تاجه اقتضا کند.

### در باب ورود

غره ماه دسمبر سی نفر قزاق به ریاست حسین خان سرهنگ از مشهد برای محافظت قونسول روس وارد به قونسلاخانه گردیده، چهار نفر قزاق را در آنجا قراول گذارده باقی آنها در باغ عباس‌خانی که محل قشوق است منزل کرده با حکومت ملاقاتی نکردند.

### در باب چپاول

دو نفر ارمنی در استراباد بالشویک بودند، اسباب خود را حراج\* کرده عازم بندر جز به روسیه بروند. دو فرسخی مغربی تراکمه جعفر بائی آنها را لخت کرده سیصد تومان وجه نقد و لوازمات آنها را بردند.

### در باب بلوای شهر

شش روز است تجار، مدرسه حاج محمد تقی خان را فرش کرده اطراف دیوانخانه [را] هم محاصره [کرده] به توسط رؤسای ادارات به حکومت اتصالاً پیغام داده از استراباد بروید و الا مجبوراً او را بیرون خواهیم کرد. روز هشتم ماه مذکور عموم علمایان و اهالی در مدرسه حاضر گردیده میرزا هادی خان فندرسکی ملقب به شجاع نظام با سیصد پیاده ایلجاری، عباس خان ملک با صد نفر پیاده ایلجاری وارد به مدرسه گردیده اجازه خواستند که دو ساعته سردار مقتدر را بیرون نمایند. کار گذار بانواب رئیس مالیه ممانعت کرده قرار دادند تا روز نهم دسمبر مقارن ظهر مذاکراتی با معظم‌الیه نموده به احترام روانه شود، والا ایلجاری به دیوانخانه ریخته به افتضاح او را بیرون نمایند. الیوم نهم دسمبر سردار مقتدر متعهد گردیده مال بنه برای او حاضر نمایند. فردا که دهم است از استراباد بروند. تاجه اقتضا کند.

## نمره ۳۳

۱۶ دسمبر ۱۹۱۸

### در باب افتضاح حکومت

در نمره قبل وضع حکومت میرزا عبدالحمید خان سردار مقتدر کاشانی را به عرض رسانیده چون بعد از قتل مرحوم ساعد السلطنه که یکی از سر کرده‌های نمره یک محسوب می‌شد به توسط رشید السلطان نایب‌الحکومه در شب پنجم ماه شوال توی خواب او را با پسرش به سن یازده ساله به قتل رسانیدند، ورود سردار مقتدر اهالی استراباد از تجار و غیره سوء ظنی پیدا کرده اسباب کارشکنی حکومتی را فراهم کرده یک مدتی بار رؤسای

\* - اصل: حراج.

ادارات هم قسم شده به معیت هم تلگرافاً به مرکز شکایت می کردند. مسجد گلشن بامدرسه حاج محمدتقی خان را فرش [کرده] و بلوای عمومی بلند شد. اطراف حکومت را محاصره و همه شب شلیک تفنگ می کردند، تا اینکه میرزاهادی خان سرتیپ فندرسکی را با سیصد نفر ایلجاری احضار [کرده]، عباس خان ملک با صد نفر روز هشتم دسمبر وارد به شهر گردیده خواستند سردار مقتدر را بیرون نمایند. دوروزه مهلت گرفت برود. شب نهم با اجزاء شخصی به منزل سالار اشرف پناهنده شده، بعد از گرفتن حقوق شخصی از مالیه روز دهم ماه مذکور حرکت کرده، شب را به قریه چهارده، چهار فرسخی مغربی توقف کردند. بعد از حرکت مشارالیه تلگراف احضاریه به طهران رسیده برای ایشان فرستادند.

### درباب قتل

کربلائی محمد بناء برای گرفتن شلتوک [و] وصول طلب به قریه نودیجه دوفرسخی مغربی رفته دونفر مغرض (?) شبانه او را تفنگ زده، اسناد او را برده مقتول شد.

### درباب چپاول

نهم ماه مذکور چهل نفر ترکمان جعفر بائی پیاده و سواره به قریه سعدآباد نیم فرسخی مغربی بسخو داشته چهار صدر آس گوسفند قریه را چپاول کرده بردند. تراکمه گموش تپه با عرابه تننگ به شهر آورده بودند. اهالی سعدآباد به شهر آمده دونفر تاجر گموش تپه را گرو کرده بردند. مجدداً تجار به مسعود الملک نوشته خواهش کردند تراکمه رارها کرده رفتند. تاجچه اقتضا کند.

### درباب مقدمه گموش تپه

ایضاً برای شرارت تراکمه گموش تپه و خوجه نفس بیست و پنج هزار تومان مال التجاره رعیت روسی را در نزدیکی عشوراده ترکمانها چپاول کرده بردند که متعلق به اگنط عشوراده بوده. دوپراخوت جنگی برای استرداد اموال مزبور آمده ترکمانها پانزده روزه مهلت گرفته و ندادند. دوساعت از شب رفته از توی دریا شلیک توپ گردیده، از قرار مذکور یک زن را با دو بچه گلوله گرفته و دوباب منزل تراکمه را خراب [کردند] که هر یک دو هزار تومان قیمت داشته است.

### درباب ورود

یازدهم ماه سپتمبر خبر رسید یکصد و پنجاه سواره قزاق و پنجاه نفر قشون دولت بریطانیا با چهار صاحب منصب وارد بندر جز شدند. تراکمه خیلی متوحش [شده] و منتشر است امنیت ایران بادولت انگلیس و مردم اظهار تشکر می نمایند.

### درباب قتل

ایضاً یک نفر رعیت سید میرانی را تراکمه زیر حد قریه فوجرد یک فرسخی مشرقی

به قتل رسانیده بعد از سه روز نعی او را پیدا کرده‌اند.

### درباب چپاول

چهاردهم ماه مذکور خبر رسید تراکمه طایفه داز هشت بلوک گوسفند از قریه حسین آباد ملک سه فرسخی مشرقی چپاول کرده، صاحبان گوسفند چند نفر ترکمان را گرو کرده گوسفند را مسترد نمودند.

### درباب حکومت

از طرف وزارت داخله نواب والا سلطان حسین میرزا رئیس مالیه را برای کفالت حکومتی موقتاً انتخاب کرده و ضمناً می گویند وثوق السلطنه معاون وزارت جنگ که حالیه حکومت زنجان است به حکومت استرآباد خواهند آمد. تا چه شود.

## نمره ۱۵

غره ماه جنواری ۱۹۱۹ مسیحی

### درباب سرقت پست

روز هیجدهم ماه دسمبر پست از استرآباد بندر جز عازم بوده هفت نفر ترکمان سه فرسخی مغربی ششصد تومان وجه نقد با مال پست را به غارت بردند.

### درباب قتل ترکمان

به عرض رفته بود به تحریک آقاعلی خان، محمدخان ایلیغی را در سرخونکلاته [به] تقاص خون حاج رحیم خان به قتل رسانیدند. بعد از چند روزی تراکمه جعفر بانی در مقام تقاص برآمده خیال انقلاب فوق العاده را داشتند. رؤسای طایفه ایلیغی مساعدت نکرده از طرف آقاعلی خان مذکور ساخلوئی قریه و خانی طایفه را به عنوان صفرخان و نعیم خان طایفه ایلیغی منظوراً ۸۱ نموده ایشان را اطمینان داده با چهار نفر سوار به سرخونکلاته آمدند. مراجعت بایک نفر سید که تراکمه را از راه خطرناک رد نمایند می روند. گماشتگان آقاعلی خان مذکور قبل از وقت بسخو داشته ترکمان را تیر زده مقتول و سید را هم تیر گرفته مشرف به موت است.

### درباب تجری تراکمه

طایفه یموت از پنجاه شصت سال قبل تا کنون به گفته پیر مردان این نحو در شهر و اطراف چپاول و قتل و غارت نکرده بودند. ۲۳ دسمبر نوزده سوار با نوزده نفر پیاده

تراکمه اتابائی دوساعت بهظهر برای چپاول گاوهای شهر جنبحصار آمده بودند. اهالی مطلع [شده] تفنگچی زیادی بیرون رفته سهساعت نزاع کرده ترکمانها مایوسانه برگشتند. در صورتیکه بیست روز است منتشر شده در شهر و یموت امنیت باقشون دولت اعلیحضرت انگلستان است. چون قبل از این مذاکرات از طرف عثمانیها به تراکمه اطمینان کامل داده شده بود و تفنگ زیادی وارد کرده، استعداد قابلی بهخیال خود تهیه کرده اند ابدأاعتنائی به این حرفها نداشته شرارت و قتل و غارت این طایفه نسبت به مسلمانان افزوده خواهد شد.

### درباب توقف قشون دربندر

چندی است که دو بیست نفر قشون نظامی انگلیس بایک عده قزاق بندر جز توقف دارند و انتشار یافته عموماً اظهار می دارند دولت ایران امتیازات راه آهن از قراسو و گنبد قابوس [راکه] به سمت بجنورد و خراسان کشیده می شود و اگذار به دولت مزبور خواهد کرد. لکن اشخاصی که در این مدت مشروطه خواهی ایران در استرآباد خود سرانه رفتار کرده تمایل به امنیت ندارند به همان عقیده سابقه و بلااگردن و آشوب طلبانه و آلمانی پرستی ثابت قدم می باشند. تاجه اقتضا کند.

### درباب ورود سالارالدوله

شب بیست و هشتم ماه مذکور خبر رسید سالارالدوله از خاک عثمانی برای انقلاب ترکستان به خیوق آمده از آنجا به اتفاق سه نفر ملازم و یک نفر عثمانی با شتر وارد گموش تپه می شود. جاسوسان انگلیسها قبل از ورود مخبر بوده شب سیام ماه دسمبر پنج نفر صاحب منصب با پاتزده نفر پیاده سرباز هندی از دریا به خوجه نفس رفته در منزل شوخ بای ترکمان تاجر پنج ساعت از شب نواب والارا دستگیر کرده به دریا برده از آنجا به کراسنودسکی می برند. از طرف وزارت داخه بعد از بردن نواب والا به کفیل حکومت تلگراف شده است از سالارالدوله جلوگیری نمایند. تاجه اقتضا کند.

### درباب چپاول

شب مذکور دوازده نفر ترکمان اتابائی بدقریه انجیراب نیم فرسخی مغربی چپاول رفته سه باب خانه را شکافته اجناس زیادی غارت، چهار رأس مال و دو نفر آدم اسیر کرده بردند.

### درباب نرخ گندم

در شاهرود قدغن گندم را برداشتند. به این جهت استرآباد گندم و برنج تنزل کرده گندم را خرواری سی و پنج تومان، برنج را چهل تومان می فروشند. لکن سایر ماکولات و حبوبات ترقی دارند. تاجه اقتضا کند.



# مخبرات استرآباد

١٩١٩

٢٨ ربيع الاول ١٣٣٧ - ٨ ربيع الثاني ١٣٣٨



[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

## نمره ۲

۲۲ ماه جنواری ۱۹۱۹

### درباب نزاع مازندران

غره ماه جنواری خبر رسید بین اسمعیل خان امیر مؤید و لطفعلی خان سردار جلیل نزاعی برای ملکی می باشد. طرفین در تهیه سوار و استعداد می باشند. تاچه اقتضا کند.

### درباب شکایت بندر جز

قبل از ورود قزاق منتشر شده بود تراکمه به خیال چاپیدن بندر جز می باشند. تجار بندر متوحش گردیده تلگرافات زیادی به طهران مخابره می نمایند که قوه برای اهالی بندر جز بفرستید. حسب الامر وزارت داخله دو بیست و پنجاه نفر قزاق متدرجاً از بار فروش بندر جز وارد گردیده. لکن از بداخلاقی صاحب منصب روس صاحب منصبان جزء با قزاقها بی اندازه باعث اذیت اهالی بندر و قراء انزان توابع رافراهم آورده که تجار بندر لابد گردیده به وزارت داخله مستدعیانه تلگراف کردند قزاق در بندر جز لازم نیست، به جای دیگر روانه نمایند. تاچه اقتضا کند.

### درباب حکومت

هفتم ماه مذکور وزارت داخله رسماً به کفیل حکومت تلگراف نموده است نواب والا معتمد الدوله به حکومت استرآباد منصوب و آدم کافی می باشد. روز دیگر نواب والا شخصاً به عموم اعیان و اشراف حکومت خود را معرفی و احوال پرسی نمودند.

### درباب چپاول

نهم ماه جنواری به توسط مکاری تراکمه بیست و دوبار نطف تجار را از گموش تپه با شتر حمل می نمایند. دوازده نفر رعیت نودیجه و یساقی زیر دروازه شهر بسخو داشته [به] ورود مکاریها شلیک می نمایند. یک نفر ترکمان بایک نفر شترتیر افتاده، بارهای نطرا از جلو قریه زنگی محله به سمت یساقی برده، کفیل حکومت نایب اکبر بادوسه نفر